

خاطره ٤

خاطرات خانه احیا

سید حسین هاشمی

پالیزان

۱۳۹۰

شناسه

هاشمی - سید حسین

عنوان و نام پدید آور

خاطرات خانه احیا : خاطره ۴

سید حسین هاشمی

مشخصات نشر

تهران : پالیزان ، ۱۳۹۰

مشخصات ظاهری

۲۲۴ ص : ۲۱/۵۵۱۴/۵ س م

شابک

۵۰۰۰۰ ریال : ۷-۵۳-۷۲۴۳-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیا

اسیران جنگی . ایران . خاطرات .

موضوع

DSR ۱۶۲۹/۵۲/۳ ۱۳۹۰

رده بندی کنگره

۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

رده بندی دیویی

خاطرات خانه احیا

سید حسین هاشمی

خاطره ۴

انتشارات پالیزان

فرامرز پالیزدار

تهران . خیابان آفریقا . نبش خیابان کاج آبادی . پلاک ۲۰۴ . طبقه سوم . واحد ۱۵

تلفن : ۰۹۱۷-۱۰۶۱۷۰۷ / دور نما : ۲۲۰۵۷۴۳۵

چاپ اول : ۱۳۹۰

شمارگان : ۳۰۰۰ نسخه

لینتو گرافی : سایه

چاپ : معاصر

شابک : ۷-۵۳-۷۲۴۳-۹۶۴-۹۷۸

قیمت : ۵۰۰۰۰ ریال

فهرست :

۷	۱- اشاره
۹	۲- حسین اهل کرمان
۱۳	۳- آغاز
۳۱	۴- قصر شیرین
۴۷	۵- بغداد
۳۵	۶- رمادیه
۷۱	۷- موصل
۸۱	۸- موصل ۳
۹۷	۹- موصل ۴
۱۳۱	۱۰- زندان الرشید بغداد
۱۴۹	۱۱- صلاح الدین
۱۷۷	۱۲- ضمیمه

اشاره

کَهِف ما غرق محبت‌های دوست
آنچه بر ما رفت از الطاف اوست

چند سال پیش که این خاطرات را نوشتم، صدام در گمان برخی
زنده بود و بر ظن تاریک خود حکومت می‌کرد. در تصور دیگران، اسرای
ایرانی در عراق مشتی از مرگ گریخته نیمه جان بودند که ارزش
نیم‌نگاهی را نیز نداشتند. اما حیات حقیقی در ایشان نشو و نما می‌کرد.
مانند اصحاب کَهِف، نهان از چشم اغیار، ما در نور خدا و در رویای
آینده‌ای روشن غلت می‌زدیم. جایی که هیچ انسان آزاد در کره خاکی
حاضر نبود یک روز و حتی ساعتی از عمرش را بگذراند، ما زیستیم،

هزاران روز.

در اسارت، "استقامت در برابر شکنجه‌های دشمن" به شکل مرموزی با "صبر برای خدا" در هم آمیخت. "رنج" معنای جدیدی یافت و شدائد ما را در زندگی دشوار پیامبران و مردان بزرگ تاریخ سهیم کرد. در تقدیری مشابه با انسان‌هایی که از حیات نصیب کامل می‌برند، ایمان بود که ایستادن ما را میسر کرد.

ما خیمه‌ای از بهشت را دیدیم که از آسمان فرود آمد و زندان ما را فراگرفت. سال‌ها از آن بیداری گذشت. زندان فرو ریخت و زندان‌بان را کشتند آن خیمه، اما، هنوز افراشته است، و بسا یوسف در آن زندانی. عنوان این کتاب را از "خاطرات خانه اموات" داستایوسکی عاریت گرفتم. سال‌ها قبل از اسارت آن را خوانده و از رنج زندان وی متأثر شده بودم. او هم‌بندانش را مرده یافت اما من بند ناف حیات معنوی خود را به اسارت متصل می‌یابم.

این خاطرات را زمانی که در پاریس رایزن فرهنگی بودم نوشتم. مخاطب آن خواننده غربی است با ذهنیتی که می‌شناسید. در این خاطرات، من شکنجه‌ها و صفات جهنمی عراقی‌ها را بیان نکرده‌ام و از این باب به همه اسرا بدهکارم. تلاش کردم خوبی‌ها را بیان کنم. تجربه شر برای شناخت خیر است و شر اسارت را هیچ قلمی توصیف نتواند کرد. در بیان خیر آن نیز به عجز خود معترفم.